

Perception of Semantic and Semiotic Indicators of Identity in the Visual System of Diplomatic Buildings

1. Nasim Najafgholipour Kalantari^{*}: Department of Architecture, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Milad Taghizadieh[✉]: MA, Department of Architecture, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran

^{*}Corresponding Author's Email Address: N.najafgholipour@iaut.ac.ir

How to Cite: Najafgholipour Kalantari, N. & Taghizadieh, M. (2026). Perception of Semantic and Semiotic Indicators of Identity in the Visual System of Diplomatic Buildings. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 4(3), 1-26.

Abstract:

This study aimed to identify and explain the semantic and semiotic indicators of the visual system and determine the contribution of each indicator to identity formation in diplomatic buildings. This developmental–applied study employed a mixed-methods design in which a qualitative phase was nested within a quantitative phase. During the qualitative phase, the research variables were identified and validated through a review of the theoretical literature, interviews with 46 professors of architecture, landscape architecture, urban design, and urban planning, and a Delphi process comprising brainstorming, factor reduction, and indicator ranking. Open and axial coding of the interviews identified 13 components: purposefulness, unity/multiplicity, explicitness, hierarchy, harmony, boundaries and privacy, natural elements, reflection, geometric patterns, mirrors, encoding, symbols, and the concept of space. During the quantitative phase, a Likert-scale questionnaire was randomly administered to 373 visitors to selected diplomatic buildings. The questionnaire demonstrated a content validity index of 0.75 and a Cronbach's alpha coefficient of 0.78. Data were analyzed using Pearson correlation and stepwise regression in SPSS version 25. Pearson correlation analysis revealed that the strongest significant relationship was between the concept of space and unity/multiplicity ($r=0.954$, $p<0.01$). A strong correlation was also found between encoding and harmony ($r=0.895$), while geometric patterns were significantly associated with spatial hierarchy ($r=0.875$, $p<0.01$). Regression analysis indicated that all identified components significantly contributed to explaining identity formation in the visual system of diplomatic buildings ($p<0.001$). The concept of space demonstrated the greatest explanatory contribution, with a coefficient of determination of 1.000, followed by encoding (0.968), explicitness (0.846), geometric patterns (0.795), and reflection (0.770). Natural elements showed the smallest explanatory contribution, with a coefficient of 0.457. The visual identity of diplomatic buildings is shaped primarily through spatial conceptualization, the encoding of cultural meanings, explicit spatial organization, and the purposeful application of symbols and geometric patterns. Accordingly, the design of diplomatic buildings should move beyond the superficial reproduction of historical forms and establish an integrated relationship among meaning, physical form, function, cultural identity, and users' environmental perceptions.

Keywords: Semantic indicators, semiotics, environmental visual system, identity formation, concept of space, diplomatic buildings.

Received: 21 February 2026

Revised: 14 July 2026

Accepted: 21 July 2026

Initial Publication: 10 August 2026

Final Publication: 23 September 2026



ادراک شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی هویت در نظام بصری بناهای دیپلماتیک

۱. نسیم نجفقلی پور کلاتنری*^{ID}: گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. میلاد تقی زادیه^{ID}: کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: N.najafgholipour@iaut.ac.ir

نحوه استناددهی: نجفقلی پور کلاتنری، نسیم، و تقی زادیه، میلاد. (۱۴۰۵). ادراک شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی هویت در نظام بصری بناهای دیپلماتیک. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۴(۳)، ۲۶-۱.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی نظام بصری و تعیین سهم هریک از این شاخصه‌ها در هویت‌بخشی به بناهای دیپلماتیک انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از نظر روش، آمیخته با طرح لانه‌به‌لانه کیفی در کمی بود. در مرحله کیفی، متغیرهای پژوهش با استفاده از مرور مبانی نظری، مصاحبه با ۴۶ نفر از استادان معماری، معماری منظر، طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری و اجرای فرایند دلفی شامل طوفان فکری، تحدید عوامل و رتبه‌بندی شاخص‌ها استخراج و اعتبارسنجی شدند. تحلیل مصاحبه‌ها از طریق کدگذاری باز و محوری انجام شد و ۱۳ مؤلفه شامل هدفمندی، وحدت/کثرت، صراحت، سلسله‌مراتب، هماهنگی، حد و حریم، عنصر طبیعت، انعکاس، نقوش هندسی، آینه، رمزنگاری، نماد و مفهوم فضا شناسایی گردید. در مرحله کمی، پرسشنامه‌ای مبتنی بر طیف لیکرت در میان ۳۷۳ نفر از بازدیدکنندگان بناهای دیپلماتیک منتخب به‌صورت تصادفی توزیع شد. روایی محتوایی ابزار با شاخص CVI برابر با ۰.۷۵ و پایایی آن با آلفای کرونباخ برابر با ۰.۷۸ تأیید شد. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ تحلیل شدند. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد بیشترین همبستگی معنادار میان مفهوم فضا و وحدت/کثرت مشاهده شد ($r=0.954, p<0.01$). همچنین میان رمزنگاری و هماهنگی همبستگی بالایی وجود داشت ($r=0.895$) و نقوش هندسی با سلسله‌مراتب رابطه معناداری نشان داد ($r=0.875, p<0.01$). نتایج رگرسیون نشان داد تمامی مؤلفه‌های شناسایی‌شده در تبیین هویت‌بخشی نظام بصری بناهای دیپلماتیک معنادار بودند ($p<0.001$). مفهوم فضا با ضریب تعیین ۱.۰۰۰ بیشترین سهم را داشت و پس از آن رمزنگاری با ضریب ۰.۹۶۸، صراحت با ضریب ۰.۸۴۶، نقوش هندسی با ضریب ۰.۷۹۵ و انعکاس با ضریب ۰.۷۷۰ قرار گرفتند. عنصر طبیعت با ضریب ۰.۴۵۷ کمترین سهم تبیینی را نشان داد. هویت بصری بناهای دیپلماتیک بیش از همه از طریق مفهوم‌پردازی فضا، رمزگذاری معانی فرهنگی، صراحت سازمان فضایی و استفاده هدفمند از نشانه‌ها و نقوش هندسی شکل می‌گیرد. بنابراین، طراحی این بناها باید از بازتولید صرف عناصر ظاهری فراتر رفته و بر ایجاد پیوندی منسجم میان معنا، کالبد، عملکرد، فرهنگ و ادراک مخاطب تمرکز کند.

کلیدواژگان: شاخصه‌های معنایی، نشانه‌شناسی، نظام بصری محیط، هویت‌بخشی، مفهوم فضا، بناهای دیپلماتیک.

تاریخ دریافت: ۲ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۳ تیر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۳۰ تیر ۱۴۰۵

اولین انتشار: ۱۹ مرداد ۱۴۰۵

انتشار نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵



مقدمه

در سیما و محیط شهری، «هویت» شاخصه‌ای است که همواره از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد و مؤلفه‌هایی همچون انسان، فرهنگ و علوم رفتاری در هویت‌مند کردن یک محیط تأثیر ویژه‌ای می‌گذارند. بنابراین، محیط شهری واجد هویت می‌تواند به‌عنوان حلقه‌ای برای ارتباط میان فرد و جامعه، فرد و تاریخ و گذشته، حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامون او باشد (1). متأسفانه شهرسازی امروز ایران، پیش از آن‌که به عوامل محتوایی ذکرشده معطوف شود، در تظاهراتی کالبدی خلاصه می‌شود؛ شهرهای امروزی شامل کالبدهایی هستند که نمی‌توان برای آن‌ها مفهومی در نظر گرفت و در آن‌ها یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا، معنای آن و ادراک محیط، در کنار عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا، هویداست (2). این در حالی است که فضا، علاوه بر کالبد خویش و مضاف بر ویژگی‌های هندسی و زیبایی‌شناسی، واجد معانی مختلف نیز بوده و همین امر باعث شده است که در خاطره جمعی جامعه نقش بسته و عملکردهایی را در مقاطع زمانی مختلف (در اذهان) برای خود تعریف نماید. پس ذکر این نکته خالی از لطف نیست که با استناد به مجموعه این‌ها می‌توان تعریف شقوق مختلف هویت فضاهای شهری ایرانی (هویت کالبدی، هویت معنایی و هویت عملکردی) را امکان‌پذیر نمود (3). امروزه، به‌دلیل عدم وجود دانش بصری مناسب و همچنین تأثیرات شدیدی که عملکردگرایی مدرنیسم بر شهرها گذاشته است، اغتشاش و ناهنجاری بصری را بیش‌ازپیش بر محیط بصری‌شان تحمیل کرده است (4). اغلب نشانه‌شناسان شهری معتقدند که ساختار شهر، به‌خاطر معانی سمبولیک خود که فراتر از معانی عملکردی بوده، قابل تشخیص است (5). به‌طوری‌که بررسی معنا از دیدگاه‌های مختلف مبین این است که این مفهوم، کلیه ذهنیت‌هایی است که یک محرک برای ناظر به وجود می‌آورد، زمانی که آن را با تجربیات خود، اهداف و منظورهایش مقایسه می‌کند (6).

پژوهش حاضر، با نظر داشتن به این مهم، در پی تبیین و بررسی شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی در نظام بصری محیط از زاویه هویت‌بخشی به کالبد بناهای دیپلماتیک در شهر است. محقق در این تحقیق، بناهای دیپلماتیک را به‌عنوان نمونه بصری جهت تصویر ذهنی مخاطبان و چگونگی هویت‌بخشی آن به شهرها مورد کنکاش و بررسی قرار داده و سعی دارد به پرسش زیر پاسخ دهد:

شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی در نظام بصری محیط چیست و به چه اندازه بر هویت‌بخشی شهر تأثیر می‌گذارند؟

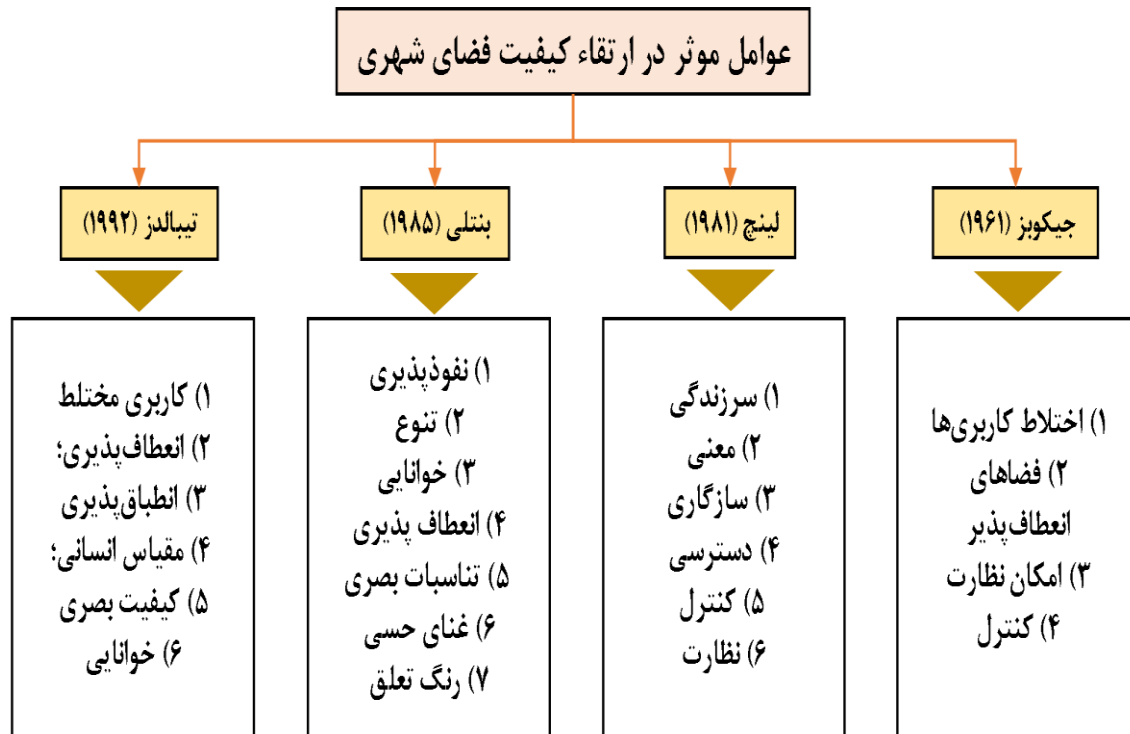
مبانی نظری

ادراک کیفیت معنایی محیط

از نیمه دوم قرن بیستم و پس از افول اندیشه‌های خردگرایانه در چارچوب گرایش‌های هنر مدرنیستی و اقبال به رویکردهای پسامدرن در ادبیات معماری و شهرسازی، موضوع معنا در کیفیت محیط تجلی یافت. مطالعات پژوهش‌های افرادی همچون لینچ^۱، راپاپورت^۲، لنگ^۳، شولتز^۴، وایت^۵، رلف^۶، اپلارد^۷ و... نشان می‌دهد که جنبه‌های ادراکی و تداعی‌کننده معنا به یکدیگر مرتبط بوده و تفاوت میان کیفیت‌های ادراکی موجب می‌شود که این کیفیت‌ها در ترکیب با هم، تداعی‌گر «معناها» برای مخاطبان باشد (7).

از دیدگاه لینچ، «ادراک» تظاهر عینی «معنا» است و معنای محیط به‌واسطه حضور در فضا و ادراک آن تعیین می‌گردد (8). کالن^۸ سواد بصری و ادراکی را عامل مهمی در ایجاد حس رضایت افراد در تماس با محیط می‌داند. در این میان، عواملی چون تأثیر مکان کالبدی بر احساس، عاطفه، حس تعلق خاطر و رضایت عمومی

و سلامتی انسان در طراحی محیط مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند (9). این در حالی است که فضاهایی نظیر شهر، خیابان، محله، بنا و اتاقی که در آن زندگی می‌کند، بخش مدنی زندگی فرد است؛ در واقع، مکان‌ها خلق می‌شوند و معنا می‌یابند، ولی افراد از کنار آن می‌گذاردند. شولتز نیز در نگاهی پدیدارشناسانه به محیط معتقد است که انسان به‌واسطه حضور در فضا به‌دنبال آن است که وجود خود را معنادار نموده و پایگاهی در فضا و در زمان به‌دست آورد (10).

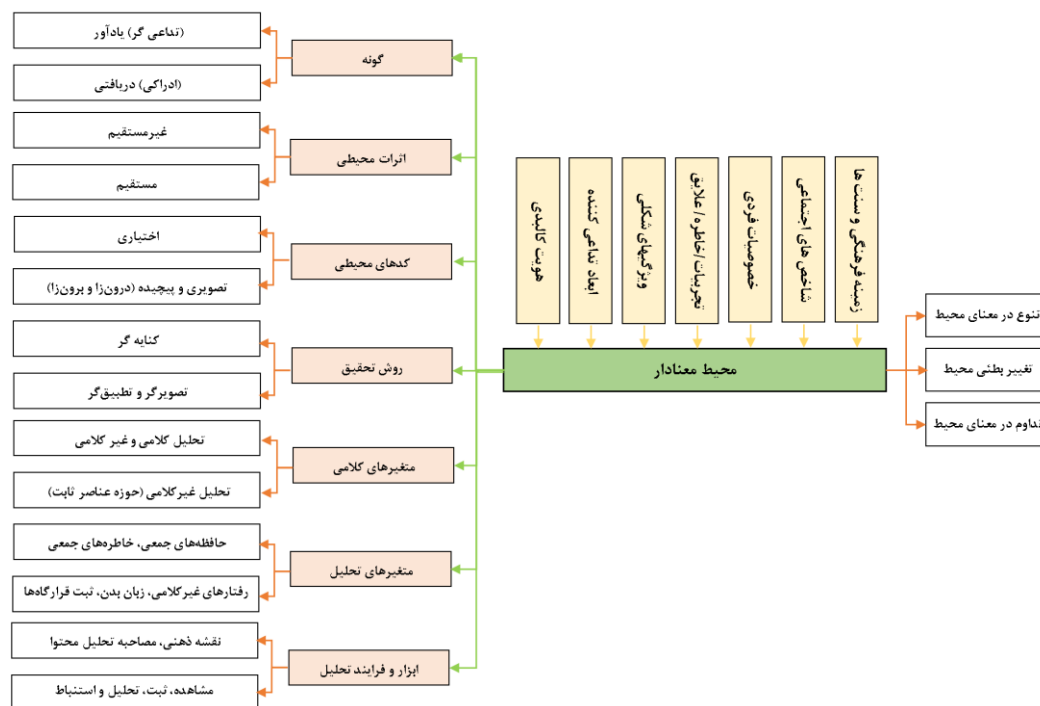


نمودار ۱: عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت فضای شهری (به نقل از (11))

تأثیر و نقش معنا در کیفیت محیط

شولتز یکی از ویژگی‌هایی را که در تبدیل محیط به مکان مؤثر است، کیفیت معنایی محیط می‌داند. محیط پیرامونی در صورتی می‌تواند به محیطی با معنا تبدیل گردد که امکاناتی غنی در تعیین هویت ارزانی دارد و پیوندی سرشار از معنا را با جهانی متشکل از اشیا و چیزهای مختلف برقرار سازد. «پری‌موزیک» معتقد است: «معانی پیش از ما نیز وجود داشته‌اند» (6). در واقع، ویژگی‌های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می‌نماید و در آن تجلی یافته و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می‌سازند. در نتیجه، مؤلفه معنایی مکان، بستری کیفی و استعاری است که برآمده از حضور رویدادها و خاطرات جمعی و، به‌طور کلی، آن دسته از ویژگی‌هایی است که مکان به‌واسطه آن دارای معنا شده است (12).

کوبین لینچ، ارتقای کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار سرزندگی، معنا، سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت دانسته و معتقد است که ساده‌ترین شکل معنا، به مفهوم محدود این واژه کلی، هویت می‌باشد (8). سازگاری، شفافیت و خوانایی اجزایی از معنا هستند که ارتباط صریح شکل سکونت‌گاهی را با مفاهیم و ارزش‌های غیرفضایی بیان می‌نمایند (13).



نمودار ۲: عناصر و فرایند تحلیل معنایی (مأخذ: (14))

جدول ۱: مروری بر دیدگاه اندیشمندان در ارتباط با مفهوم معنا و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری، تداوم یا تنوع‌پذیری آن (به نقل از (2))

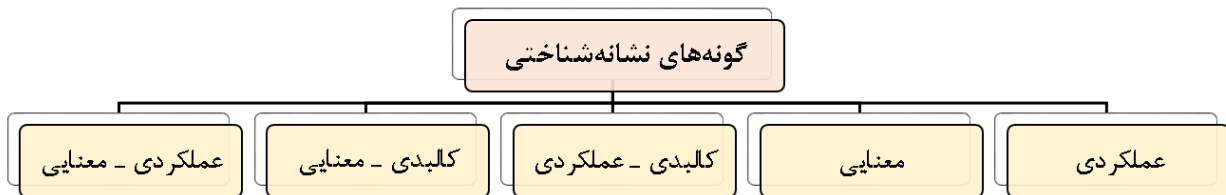
اندیشمند	تعریف معنا	عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معنای محیط	علل تداوم‌پذیری یا تنوع‌پذیری معنا
لینچ (۱۹۹۷)	وضوح در درک کل و اجزای محیط در زمان و مکان و ارتباط آن با ارزش‌های غیرفضایی	تابع شرایط اجتماعی، فردی، فرهنگی و فیزیکی	خلق یا بازآفرینی تصویر ذهنی مشترک عامل تداوم‌پذیری معنای محیط
رپاپورت (۲۰۰۶)	حاصل ارتباط غیرکلامی انسان - محیط انطباق انگاره‌های ذهنی با عناصر کالبدی محیط	زمینه‌های فرهنگی/ سنت‌ها، تعاملات اجتماعی، شرایط ادراکی، زمان/ ابعاد نداعی کنندگی محیط	گروه‌های اجتماعی، حرفه‌ای، نسبی، جنسی/ کثرت و تنوع نمادها عامل تنوع‌پذیری معنای مشترک در محیط‌های تاریخی
وایت (۲۰۰۶)	معنا حاصل ادراک ناظر است	تجربیات، تفاوت‌های ادراکی افراد	- تفاوت‌های زمانی - تفاوت‌های فرهنگی عامل تنوع‌پذیری معنای
دگن (۲۰۰۸)	معانی محیطی بازتاب ارزش‌های اجتماعی می‌باشند.	- تفاوت‌های ادراکی - سازمان‌دهی ذهنی اشارات محیطی	قابلیت‌های متفاوت انسانی نظیر سن، سطح توانایی فیزیکی، قومیت و جنسیت عامل تنوع‌پذیری معنای
شولتز (۲۰۰۹)	امری کیفی که از روابط خاص اشیاء با یکدیگر در محیط شکل می‌گیرد.	خاطره، حس هویت، رویکرد پدیدارشناسانه به چیزها، ابعاد تداعی کنندگی محیط	نمادینه‌سازی محیط عامل تداوم‌پذیری معنای/ تداوم ارزش‌ها عامل تنوع‌پذیری معنای
رلف (۲۰۰۹)	معانی محیطی ریشه در حضور انسان‌ها در فضاها دارند.	- تجربیات، ذهنیات، فضای ادراکی - تابع فرهنگ، علائق و نقطه نظرات مختلف مردم	تغییر نگرش افراد عامل تنوع‌پذیری معنای
اپلیارد (۲۰۰۹)	-	تفاوت‌های ادراکی افراد	- طبقه‌بندی اجتماعی عامل تنوع معنای - سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان آشنایی قبلی با محیط عامل - تنوع‌پذیری معنای
رضازاده (۲۰۱۱)	-	هویت (سازمان‌دهی کالبدی، سرزندگی، ارزش تاریخی)	-

نشانه‌شناسی

شاخه‌ای از دانش بشر که به نشانه‌ها و چگونگی کاربرد آن‌ها برای ارتباط میان انسان‌ها و چگونگی تولید معنی و انتقال معنا در جامعه می‌پردازد، نشانه‌شناسی نامیده می‌شود. در واقع، نشانه‌شناسی یک علم چندرشته‌ای می‌باشد که یک هدف عام مشترک، یعنی درک بهتر رفتار معنادار انسان، به آن وحدت می‌بخشد (15).

تنوع گونه‌ها در نشانه‌شناسی

نشانه‌ها گونه‌های متنوعی دارند که هر مؤلفه نشانه‌ای در یکی از این گونه‌ها جای می‌گیرد:



نمودار ۳: انواع گونه‌ها در نشانه‌شناسی

تشخیص کالبدی یک نشانه می‌تواند برگرفته از دو دسته متغیر باشد که عبارت‌اند از (16):

ویژگی‌های کالبدی خود نشانه، یعنی متغیرهایی که متعلق به خود عنصر نشانه‌ای و جزئی از ماهیت وجودی آن می‌باشد.

ویژگی‌های نقش زمینه‌ای نشانه که معطوف به نوع ارتباط عنصر یا زمینه و بافت پیرامون می‌باشد.

ویژگی دوم شامل نمایانی و نحوه ترکیب حجمی با بافت مجاور است. نمایانی کیفیتی است که حاصل فواصل و زوایای دید به نشانه شهری است که اساساً

جزئی از منظر شهری بوده و مرتبط با سکانس‌های بصری و حرکتی تعریف می‌شود (14).

تمایز عملکردی یک عنصر نشانه‌ای نشئت گرفته از سه نوع اهمیت می‌باشد (16):

نخست: اهمیت صرفاً کارکردی (معطوف به نوع استفاده و شدت آن).

دوم: اهمیت عملکردی (معطوف به بعد زمانی استفاده).

سوم: اهمیتی که در اثر نوع استفاده‌کنندگان در یک عنصر هنری ایجاد می‌گردد و منجر به نشانه شدن آن عنصر می‌گردد.

این چند ویژگی از مؤلفه‌های سه‌گانه آغاز گردیده و به متغیرهای ریزتر می‌رسند.

اپلبارد (۱۹۷۰) کاراکترهایی را که یک عنصر شهری را در ذهن مردم به یادماندنی و نشانه‌ای می‌کند، تمایز فرم، نمایانی (رؤیت‌پذیری) و برخورداری از اهمیت

نمادین و عملکردی آن می‌شمارد. از میان این عوامل، حداقل تمایز فرم و نمایانی را می‌توان در حوزه کالبدی نشانه‌ها دسته‌بندی نمود (17). عوامل تأثیرگذار بر

تمایز فرم عبارت‌اند از: اندازه، شکل، رنگ، مصالح، سبک ساخت و مبلمان بیرونی. همچنین، نمایانی در ارتباط با موقعیت آن عنصر نسبت به مراکز و کانون‌های

دید و فعالیت شهروندان ارزیابی می‌گردد (14).

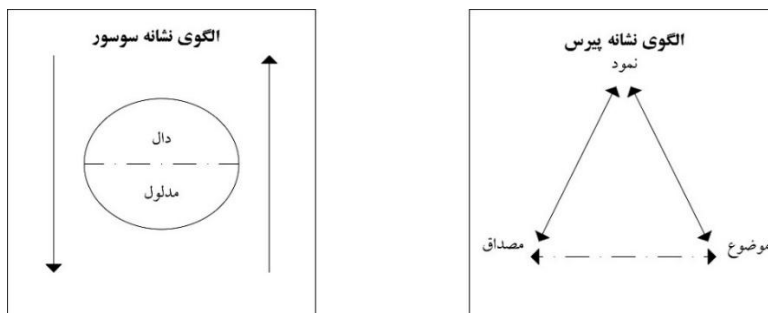
دیدگاه سوسور و پیرس پیرامون نشانه

هر نشانه به یک واحد اطلاعات اشاره می‌کند که پیکربندی آن‌ها در کنار یکدیگر دارای معنا می‌باشد. الگوهای اولیه‌ای که به بررسی ساختار نشانه پرداخته‌اند، متعلق به زبان‌شناس سوئیسی «فردینان دو سوسور» و فیلسوف آمریکایی «چارلز سندرز پیرس» می‌باشد (9).

واژه «نشانه‌شناسی» از ریشه یونانی است که در قلمرو «نشانه» و «معنا» قرار دارد (18). ظهور نشانه‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای علمی را مدیون «چارلز سندرز پیرس» (۱۸۳۹-۱۹۱۴) هستیم؛ از نظر وی، نشانه‌شناسی چارچوبی ارجاعی است که هر مطالعه دیگر را در بر می‌گیرد. تقریباً هم‌زمان با پیرس، سوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) نیز نشانه‌شناسی را مطرح نمود. وی زبان را نظامی از نشانه‌ها می‌دانست که بیانگر اندیشه‌ها است (12).

کماکان الگوهایی که این اندیشمندان از مفهوم نشانه مطرح نمودند، اعتبار بنیادی خود را حفظ نموده و مبنای تحولات بعدی شده است (9). در الگوی پیرس، شاهد وجود «آبژه» یا چیزی شبیه مصداق هستیم که در الگوی سوسوری جایی به آن داده نشده است. پیرس و سوسور واژه «نماد» را به دو معنای متفاوت به‌کار می‌برند (19). از نظر پیرس، نماد نشانه‌ای است که به‌موجب یک قانون بر آبژه دلالت داشته و قراردادی می‌باشد. اما سوسور نمادها را ترکیب‌بندی‌های قراردادی و تهی می‌داند که دست‌کم نشانی از ارتباط طبیعی با خود دارند که ارتباط بین «دال» و «مدلول» است که سوسور آن را عقلانی می‌نامد. پیرامون وجوه مشترک تفکرات پیرس و سوسور باید به این نکته اشاره نمود که «نمود» کم‌ویش مشابه دال سوسوری بوده و «تفسیر» نیز بی‌شباهت به مدلول سوسوری نیست (6).

در الگوهای دوجوهی و سه‌وجهی، نقش تفسیرگر مورد توجه می‌باشد، به‌گونه‌ای که هیچ‌گاه نمی‌توان کاربران نشانه‌ها را از نشانه‌ها و ارجاعات آن‌ها جدا نمود. مرز قاطعی بین نشانه‌های نمادین، نمایه و شمایل نمی‌توان قائل شد و باید به یاد داشت که این سه مقوله از نشانه الزاماً مقوله‌های قطعی و قطبی نبوده و در نوعی رابطه پیوستاری با یکدیگر قرار دارند (1).



شکل ۱: الگوهای پیرس و سوسور در مورد نشانه (مأخذ: (20))

رابطه معنا و نشانه در معماری

انسان به‌شدت میل به معناسازی دارد و معنا را از طریق تولید تفسیر «نشانه‌ها» به وجود می‌آورد (20). رویکرد زبان‌شناسانه به معماری نشان داد که می‌توان شهر و بناهایش را به‌مثابه متن در نظر گرفت و مورد تفسیر قرار داد. متن پدیده‌ای فیزیکی است؛ بنابراین، هر مصنوعی را با یک عملکرد و پیام رمزگذاری شده می‌توان متن به شمار آورد (21).

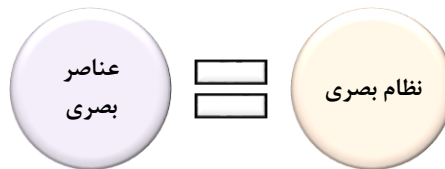
«معماری مانند یک متن در برابر مخاطب، دنیایی از اندیشه‌ها و ارزش‌های طرح را تداعی نموده و واجد زبانی در پس پرده خود می‌باشد که با مخاطب به گفت‌وگو می‌نشیند.» کلمه‌های این متن، عناصر ساختاری، ساختمان‌ها، توده و احجام، فضاهای جمعی، فضاهای باز، راه‌های دسترسی و گره‌ها هستند که ضمن

وابستگی معنایی به یکدیگر، یک کلیت واحد را به نمایش می‌گذارند (22) و از طریق رمزگان‌های منطقی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند؛ بنابراین، آنچه در معماری به عنوان عامل معنا ساز نشانه قابل شناسایی است، در هر سه قالب «شمایل، نمایه و نماد» می‌تواند نمود یابد (23).

نظام بصری شهر

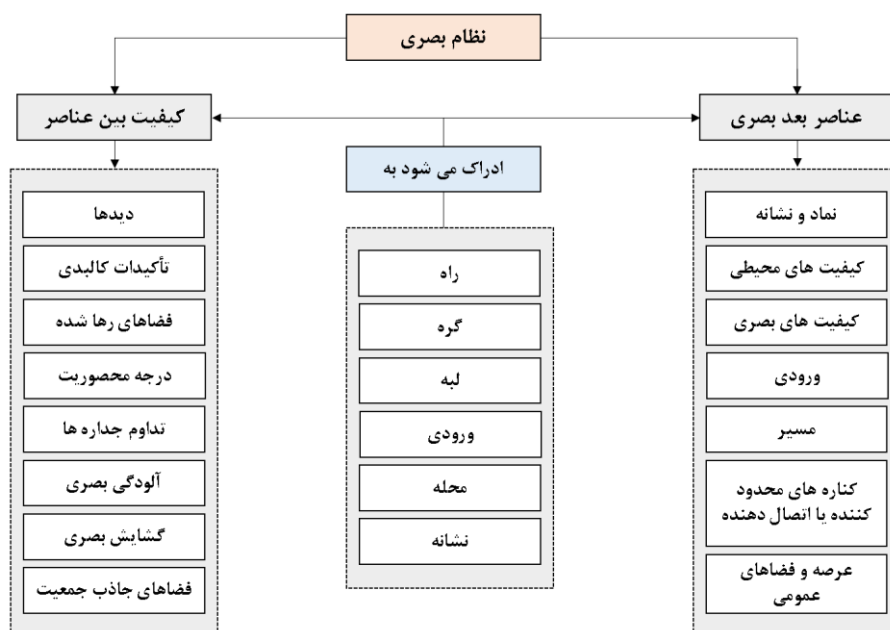
بنا به تعریف، «سازمان بصری» عبارت است از: «انتظام، هم‌پیوندی و انسجام حاکم بر ارتباط بصری میان عناصر و اندام‌های شهری و همچنین وضوح و حضور کیفیت‌های سازنده هویت در سیما و منظر شهری». در واقع، نظام بصری از کیفیت رابطه میان عناصر تشکیل می‌گردد (12). این عناصر در تعامل با یکدیگر و گاه دارای اجزای مشترک می‌باشند؛ اجزایی که اگر برای فرد قابل تشخیص باشند (هویت) و هم‌پیوندی و انتظام حاکم میان آن‌ها احساس گردد (ساختار)، فرد بتواند برای آن‌ها مفهوم خاصی را تصور نموده (معنا)، تصویر ذهنی و نقشه شناختی از محیط را در ذهن فرد به وجود می‌آورد (24).

کیفیت رابطه میان عناصر



شکل ۲: اجزای تشکیل‌دهنده نظام بصری (مأخذ: (25))

«عناصر بصری مجموعه عناصری می‌باشند که از زمینه‌های مختلف موضوعات سازمان بصری، معرف هویت و توانمندی‌های منظر یک حوزه مشخص هستند و موجب خوانایی و ارتقای منظر مجموعه شده و جایگاه خاصی در نقشه ذهنی افراد برای کمک به جهت‌یابی و ارزیابی در مجموعه دارند» (21). این عناصر: نشانه‌ها و نمادها، کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های بصری، ورودی و دروازه‌ها، عرصه‌ها و فضاهای عمومی، کناره‌های محدودکننده یا اتصال‌دهنده و مسیرها (3).



نمودار ۴: عناصر تشکیل‌دهنده نظام بصری (مأخذ: (3))

نشانه بصری شهر

شهر از مجموعه‌ای از نشانه‌های بصری شکل گرفته است که ارتباط دیداری را با شهر برقرار می‌کنند (26). هنگامی که انسان سعی دارد فضای شهری را درک نموده و با آن تعامل برقرار نماید، در حقیقت به این معناست که ذهن وی در تلاش است که تصویری روشن، به هم پیوسته و منسجم از کل شهر تهیه نماید و یکی از عوامل شکل دهنده این تصویر، نشانه‌های شهری می‌باشند (1).

تشخیص کلی، مورد اجماع‌ترین ویژگی یک عنصر نشانه‌ای می‌باشد؛ در حوزه نشانه شهری، بیشتر به مؤلفه کالبدی - بصری نشانه پرداخته شده است (27). پورجعفر معتقد است در محیط‌های فیزیکی دو دسته اصلی از نشانه‌های شهری وجود دارند که عبارت‌اند از: ۱) نشانه‌های طبیعی؛ ۲) نشانه‌های مصنوعی. الف) غیرساختمانی: در مقیاس کوچک‌تر از ساختمان‌های شهری، در قالب عناصری سه بعدی که وظیفه تزئین شهر را بر عهده دارند. ب) ساختمانی:

ساختمان‌هایی که براساس طرح‌های بومی و اصول سنتی ساخته می‌شوند.

ساختمان‌هایی که براساس طرح‌های عظیم شهری با ویژگی‌های یادمانی و شگفت‌آور طراحی می‌شوند (1).

ادراک کیفیت بصری محیط

پدیده ادراک، فرایندی ذهنی می‌باشد که در طی آن تجارب حسی معنادار می‌گردد و از این طریق، انسان روابط امور و معانی اشیا را درک می‌کند. در این عمل، تجارب حسی، مفاهیم و تصورات ناشی از آن، انگیزه فرد و موقعیتی که در آن ادراک صورت گرفته، دخالت می‌نمایند (12). در این رابطه، ادراک محیطی فرایندی است که انسان داده‌ها و انگاشت‌های ذهنی لازم را از محیط پیرامون دریافت می‌کند و با شناخت او از محیط توأم می‌گردد، که این خود نتیجه برهم‌کنش ادراک حسی و شناخت می‌باشد. ادراک محیطی براساس حواس پنج‌گانه انسان و از جنبه‌های عینی محیط صورت گرفته و حس بینایی بیشترین نقش را در ادراک بصری محیط‌های شهری دارد (11).

کوبین لینچ (۱۹۶۰) کیفیت یک شهر را تنها از طریق دیدن آن توسط شهروندان میسر می‌داند. وی عقیده دارد این امر به واسطه تصویر ذهنی و ادراک محیطی که مردم از محل سکونت خود دارند، شکل می‌گیرد. وی در ارتباط با کیفیات بصری شهر به عوامل مختلفی، از جمله خوانایی، شفافیت و وضوح بصری، اشاره می‌نماید (8).

کولن ۱ (۱۹۶۱) در زمینه جنبه‌های بصری شهر، نظریه «دیدهای متوالی» را ارائه نموده و به مؤلفه‌هایی نظیر تداوم بصری، منظر در حال نمایان، منظر موجود و... در ادراک بصری محیط اشاره می‌نماید (28).

جدول ۲: مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای کیفیت بصری فضاهای شهری (مأخذ: (11))

صاحب‌نظران	مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت بصری
Lynch	خوانایی؛ وضوح بصری؛ شفافیت
Cullen	توالی؛ تداوم؛ حرکت؛ منظر پنهان‌شده؛ تنوع در مسیر حرکت
Spreiregen	چشم‌اندازها؛ تجارب بصری متنوع
Lerup	تداوم؛ خوانایی؛ قابلیت پیش‌بینی

Lynch & Hack	وحدت؛ خوانایی
Bentley et al	تناسبات بصری؛ غنای حسی بصری؛ خوانایی؛ سازگاری بصری
Gehl	دید و منظر زیبا
Lang	اشکال؛ تناسبات؛ ریتم؛ مقیاس؛ پیچیدگی؛ رنگ
Tibbalds	خوشایندی بصری؛ خوانایی؛ مقیاس؛ محصوریت
South Worth	دید؛ منظر
Marcus & Francis	رویت پذیری؛ نور مطلوب؛ فضای سبز؛ امکانات
Carr et al	کشف و راز
Leonard & Lenaard	جهت یابی؛ خوانایی
Nasar	شکل؛ تناسبات؛ ریتم؛ مقیاس؛ رنگ؛ نورپردازی؛ سایه؛ سلسله مراتب؛ ارتباطات فضایی؛ ابهام؛ نوآوری؛ سازگاری و شگفتی؛ محصوریت
Punter & Camrona	کیفیت دیدها؛ خط آسمان؛ چشم اندازها؛ کنترل و احداث بناهای مرتفع نشانه ای
Lokaitou – Sideris & Baberjee	دسترسی؛ خوانایی؛ تداوم؛ خدمات؛ زیبایی بدنه
Montgomery	خلاقیت در معماری؛ تنوع قطعات
Oldenburg	بستر و زمینه مناسب؛ خوانایی
DETR/CABE	تنوع بصری؛ خوانایی؛ پیوستگی؛ محصوریت
PPS	خوانایی؛ پیوستگی؛ تنوع؛ سبزیگی؛ سیمای مناسب
Carmona	سیمای بام؛ خط آسمان؛ خط پایه؛ جداره های شهری؛ کف؛ سیمای زمین؛ عناصر طبیعی و مصنوعی
Steadman	فضای سبز
Hoehner	زیبایی محیطی؛ تداوم و خوانایی مسیر
Hooker	نورپردازی؛ تجهیزات و تسهیلات عمومی
De Bourdeu Dhuji	اتصال خیابان ها؛ پیوستگی
Burton	پاکیزگی؛ زیبایی شناختی
Van Lenthe	کیفیت فضاها؛ سبز
PPSI	جذابیت بصری؛ ترکیب معماری؛ منظر سازی
Ramirez	کیفیت (آلودگی) هوا؛ مبلمان خیابان؛ شرایط اقلیمی
Frank	زیبایی محیطی؛ مجاورت با عناصر تاریخی
Lee	زیبایی محیطی؛ خوانایی
Pikora et al	تنوع سبک های معماری
Frank	اتصالات شبکه معابر؛ پیوستگی
Carmona	عوامل ایجاد کننده هویت و تأکید؛ ارتباط اجزای کالبدی با یکدیگر و با کل
Forsyth & Sout Worth	مبلمان شهری؛ فضای سبز؛ پاکیزگی کیفیت بصری خیابان
Kumar	نمای معماری و پیوستگی جداره ها

نقش نشانه ها در هویت یک شهر

در ساختار یک شهر، نشانه شناسی برای تحلیل هویت شهر بسیار قابل توجه می باشد. نشانه ها، در هر مقیاس و نوعی که باشند، می توانند ارتباطی صریح و عمیق با مخاطب برقرار نموده و بخشی از هویت کالبدی شهر و، به تبع آن، هویت فردی شهروندان را شکل داده و شناخت شهروندان از شهر را سازمان دهند (12). در

میان علائم و نشانه‌هایی که به صورت عام در تمام زمینه‌ها مطرح می‌گردند، برخی علائم به صورت خاص در شهر به عنوان نشانه‌های شهری شناخته می‌شوند. علاوه بر آن، برای تثبیت هویت و فرهنگی غنی، نیاز است عناصر شهر علاوه بر خوانایی، دارای معنی و مفهوم مرتبط با فرهنگ ساکنان آن شهر باشند (11). اغلب نشانه‌شناسان شهری و اجتماعی معتقدند که ساختار شهر، به دلیل معانی سمبولیک خود که فراتر از معانی عملکردی است، قابل تشخیص می‌باشد (1). بناها، فضاهای فرهنگی، عرصه‌های اجتماعی و، در حالت کلی، هر عنصری که به طرز مطلوبی شاخص باشد و بستر مناسبی را برای شکل‌گیری رویدادهای جمعی و ثبت خاطره‌های اجتماعی شهروندان فراهم آورد، می‌تواند یک نشانه شهری باشد (7) که به علت ویژگی‌های کالبدی و وجوه اجتماعی منضم به آن‌ها، یکی از مهم‌ترین و مستندترین معیارها در شناخت، ادراک، ایجاد تمایز، کسب هویت و تأمل در مفهوم شهر باشد که می‌تواند اساس مطالعه ویژگی‌های کیفی شهر واقع شده و به عنوان ابزار مهمی برای هویت‌دادن به یک مکان یا حوزه شهری یا حتی کل شهر عمل نماید (3).

شاخصه‌های معناگرایی در هویت معماری

هویت در دوره‌های مختلف معماری بسیار متفاوت نمود پیدا کرده و بخشی از این تفاوت‌ها به موضوع فرهنگ بازمی‌گردند. بر این اساس، در تعیین و تبیین شاخصه‌های معناگرایی در هر دوره معماری، بنیان‌گذار هویت در یک جامعه با فرهنگ و دینی پدیدار می‌شود (2). به عنوان مثال، هویت در دوره اسلامی در بناها و سیر تحول از ظاهر تا باطن، در زمینه عملکردی انسان برای رسیدن به هویت اسلامی بوده است (4). از این رو، با شاخصه‌های آمده در زیر، سازگاری و تداوم در آثار معماری دوره اسلامی می‌توان به مفاهیم تعلق خاطر انسان و هویت معماری دوره اسلامی پی برد (10).

جدول ۳: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در مورد نقش معنا و نشانه‌ها در نظام بصری محیط و هویت بخشی به آن

نظریه‌پرداز	دیدگاه
کوپن لینچ (۱۹۸۱)	وی هویت را به ساده‌ترین شکل معنا یا «معنای یک محل» تعریف نموده که شخصیتی مشخص و بی‌نظیر به مکان می‌بخشد و ارتباط نزدیکی با هویت شخص دارد. سازگاری، شفافیت و خوانایی را از اجزاء معنا می‌داند که ارتباط میان شکل و ارزش‌های غیرفضایی را بیان می‌نمایند. از نظر لینچ مکان خوب مکانی است که با شخص و فرهنگ او تناسب داشته و او را از جامعه، گذشته، شبکه زندگی، جهان، زمان و فضا آگاه کند (لینچ، ۱۳۹۵: ۱۷۲)
ایموس راپاپورت (۱۹۸۲)	معنا را تداعی‌کننده و مربوط به استفاده‌کنندگان دانسته و بر این مبنا آن را متغیری فرهنگی معرفی کرده که در ارتباط تنگاتنگی با مفهوم شخصی شدن قرار دارد. به نظر وی معنای بسیاری از محیط‌ها به صورت شخصی با مسلط شدن بر آن، کامل کردن و تغییر آن به وجود می‌آید. با افزایش خوانایی و تشابه بین معانی و پیام‌هایی که از آن طریق منتقل می‌شود، معانی افزایش می‌یابند (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۲۴)
کریستین نوربرگ شولتز (۱۹۸۸)	وی چیستی و کجایی اشیاء را با یکدیگر مرتبط دانسته و هویت آن‌ها را به فرم ویژه حضور آن‌ها تعریف می‌کند. همچنین هویت را مفهومی یکپارچه و وحدت یافته می‌داند که به صورت هوا سپهر بر مخاطب اثر می‌گذارد و به نام روح مکان شناخته شده و در طول زمان پایدار می‌ماند. از نظر شولتز یک ساختمان عالم را بر حسب سه اصل تجسم فکری، تکامل و نمادآوری گردهم می‌آورد (شولتز، ۱۳۹۳: ۱۱۲)
گوردن کالن (۱۹۹۱)	وی بر نقش ادراک و تجربیات انسان به عنوان عاملی مهم در طراحی محیط تأکید می‌ورزد و معتقد است منظر به دلیل یادآوری خاطرات و تجربیات مفید است و این همان عکس‌العمل‌های احساسی درونی ما است که وقتی ظهور پیدا می‌کند قادرند روند افکار ما را بر هم زنند. (کالن، ۱۳۹۰: ۷) بر همین اساس وی طراحی را با استفاده خلاقانه از ارزش‌های ذهنی مخاطب پیشنهاد نموده و با توجه به نقش مشاهدات بصری در ادراک محیط، ایجاد دید پی‌درپی مرا به عنوان راه‌حلی مناسب برای ایجاد هماهنگی در محیط عنوان می‌کند.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ حیث نوع، توسعه‌ای - کاربردی و از جنبه روش، دارای ترکیبی لانه‌به‌لانه است. برای پاسخ به سؤال تحقیق، از روش تحقیق کیفی در کمی لانه‌به‌لانه استفاده می‌شود. در روش کیفی، برای صحت‌سنجی استخراج متغیرها از سیستم دلفی بهره گرفته می‌شود که شامل این مراحل است: ۱- ابتدا طوفان فکری برای عوامل مهم؛ ۲- محدود ساختن فهرست اصلی به مهم‌ترین موارد؛ ۳- رتبه‌بندی فهرست عوامل مهم، که به اختصار توضیح داده می‌شود.

طوفان فکری: سؤالات پژوهش مرتبط با موضوع در دو مرحله مطرح می‌گردد که در یک قالب سؤال جای می‌گیرد. در ابتدا، سؤال کیفی در ارتباط با عوامل به‌عنوان هدف اصلی سؤال دلفی قرار گرفته و برای اشراف به سؤال، به سه سؤال همسو با سؤال اصلی تبدیل و ساده‌تر می‌گردد (29) و با ۴۶ نفر از اساتید مصاحبه شد. نتایج مشخص کردن عوامل توسط اساتید مورد سنجش قرار گرفت و پاسخ‌های تکراری حذف گردید. این مرحله شامل استخراج و اعتبارسنجی فهرست عوامل است.

جدول ۴: تخصیص افراد مورد مصاحبه

درصد تجمعی	فراوانی	تعداد	مصاحبه‌شوندگان
۳۴.۸	۳۴.۸	۱۶	اساتید معماری
۵۴.۳	۱۹.۵	۹	اساتید معماری منظر
۸۰.۵	۲۶.۲	۱۲	اساتید طراحی شهری
۱۰۰	۱۹.۵	۹	اساتید برنامه‌ریزی شهری
-	۱۰۰	۴۶	مجموع

تحدید عوامل: در این مرحله، درک رتبه‌بندی اهمیت عوامل بر مبنای دیدگاه‌های متفاوت گروه‌های گوناگون بود؛ بنابراین، استراتژی عبارت بود از داشتن گروه‌هایی که درباره اهمیت عوامل به‌طور مشابه فکر می‌کنند. سعی به وفق دادن عامل‌های مستخرج‌شده توسط خبرگان محقق صورت می‌گرفت. این مرحله دارای تکاثر آراست و شامل پرسشنامه مهم‌ترین عوامل است (30).

رتبه‌بندی عوامل مرتبط: هدف از این مرحله، رسیدن به یک اتفاق‌نظر در رتبه‌بندی عوامل مرتبط در هر هیئت است. تحقیقات نشان می‌دهد که رسیدن به اتفاق‌نظر در گروه‌های دلفی، بسیار سخت‌تر از توافق نظر در گروه‌هایی است که در آن‌ها تعامل مستقیم میان اعضا وجود دارد. این مرحله شامل رتبه‌بندی عوامل انتخاب‌شده است (29).

سپس، براساس عوامل مستخرج‌شده، پرسشنامه تدوین می‌گردد.

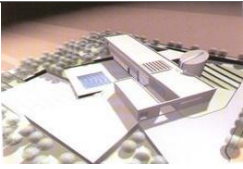
در مرحله کمی، پرسشنامه براساس طیف لیکرت و برای هر شاخصه معنایی و نشانه‌شناختی در نظام بصری محیط چیست جهت هویت‌بخشی، یک سؤال در نظر گرفته می‌شود. برای روایی پرسشنامه از فرمول $CVI: 0.75$ استفاده می‌شود که این عدد به میزان ۲۰ متخصص است. برای پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ بهره گرفته می‌شود که برای این پرسشنامه 0.78 است. نتایج وارد نرم‌افزار می‌شود و از آزمون پیش‌بین رگرسیون برای سهم‌بندی هریک از عوامل بهره گرفته می‌شود. برای استفاده از نوع رگرسیون خطی یا چندمتغیره، از نمودار ماتریس همبستگی درونی متغیرها استفاده می‌شود. پس از ترسیم نمودار ماتریس همبستگی،

مشخص گردید عوامل فاقد رابطه خطی می‌باشند؛ پس بهره‌گیری از رگرسیون چندمتغیره صحیح است. تعداد پرسشنامه‌ها برای نمونه‌گیری از جدول مورگان استفاده می‌شود که برای جمعیت ۷۰۰۰ نفر، تعداد ۳۷۳ است که توزیع این پرسشنامه به صورت تصادفی است.

نمونه‌های مطالعاتی طراحی شده سفارت ایران در دیگر کشورها:

بناهای مورد مطالعه در این تحقیق براساس سیستم ارجح‌گذاری و با توجه به نظر هیئت متخصصین انتخاب می‌شود، به‌صورتی که به بناهایی که واجد بررسی در این تحقیق هستند از ۱ تا ۱۰ نمره بدهند. میانگین‌های بالای ۵ در این تحقیق انتخاب می‌شوند که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۵. معرفی نمونه‌هایی از بناهای دیپلماتیک ایران در دیگر کشورها و بررسی اصول ساختاردهنده طرح این بناها

ردیف	محل پروژه	معمار/معماران	مفاهیم هویتی به‌کاررفته در طرح	تصاویری از پروژه
۱	سفارت جمهوری اسلامی ایران در توکیو	حسین شیخ زین‌الدین	۱. ایجاد توازن میان عنصرهای معماری ایرانی و توکیو به‌عنوان سایت. ۲. استفاده از مصالح و تکنولوژی که با شرایط جغرافیایی ژاپن هماهنگ است. ۳. اجرای عناصر ساده شده معماری ایرانی مانند حیاط مرکزی و یا دیوار منحنی شکلی که در این ساختمان به یادآورنده دیوارهای خشتی در معماری ایرانی است.	
۲	سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه	ایرج کلانتری طلالقانی	ایده طرح به‌صورت، یک کوشک در میان یک باغ تخت ایرانی شکل گرفته است، اما در جریان تکثیر و تکامل چنان تغییر یافته است که ترکیبی نو را به وجود آورده است. چنانچه در جانمایی کوشک میان باغ ایرانی حجم کلی بنا آن قدر بر روی محورها لغزیده تا بهترین مکان و امکانات را به دست داده است.	
۳	سفارت جمهوری اسلامی ایران در برلین	داراب دیبا، جهانگیر صفاوردی و همکاران	۱. بیان الگویی ازلی از طراحی ماندگار ۲. حس وحدت، اشتیاق به تعالی ۳. فضای به یادآوری و خاطره ۴. رعایت هندسه ۵. بهره‌گیری از نور ۶. شفافیت و تداوم فضایی ۷. چهارطاق و ایوان ۸. مصالح طبیعی ۹. باغ ایرانی.	
۴	سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان	ایرج کلانتری طلالقانی	۱. توجه به محیط طبیعی ۲. به‌دوراز تزئینات و گرایش‌ها ۳. استفاده از خطوط مدرن به هندسه حیاط مرکزی باغچه تجلی مفاهیمی چون رفع اشراق و محرمیت (تفکیک حریم عمومی از حریم خصوصی)	

	ارائه حس نمادین از عالم مثال با توجه به ایده طرح (ترتیبی معلق بین زمین و آسمان در تعلیق قرار گرفته و بخشی از آن گرایش آسمانی و بخشی دیگر گرایشی زمینی یافته است) (حسینمردی، ۱۳۸۷: ۶).	۵ سفارت و فرهاد احمدی کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استکهلم
	۱. ایده نهایی طرح بر اساس باغ ایرانی بوده ۲. ایده فضایی طرح، کاهش ماده و افزایش فضا است. ۳. سعی شده است تا در طرح، فضای درونی به گونه‌ای توسعه یابد که از جرم ساختمان کاسته و فضایی شناور و شفاف جای آن را اشغال کند.	۶ سفارت و سید هادی کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در بانکوک
	۱. ایجاد امنیت ۲. حفظ حریم ۳. ایجاد فضایی شرقی ۴. شکوه همراه با توازن ۵. انطباق با طبیعت و فرهنگ بستر طرح ۶. القای حس پایداری.	۷ سفارت و مهندسان مشاور کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در امان

یافته‌ها و بحث

یافته‌های کیفی

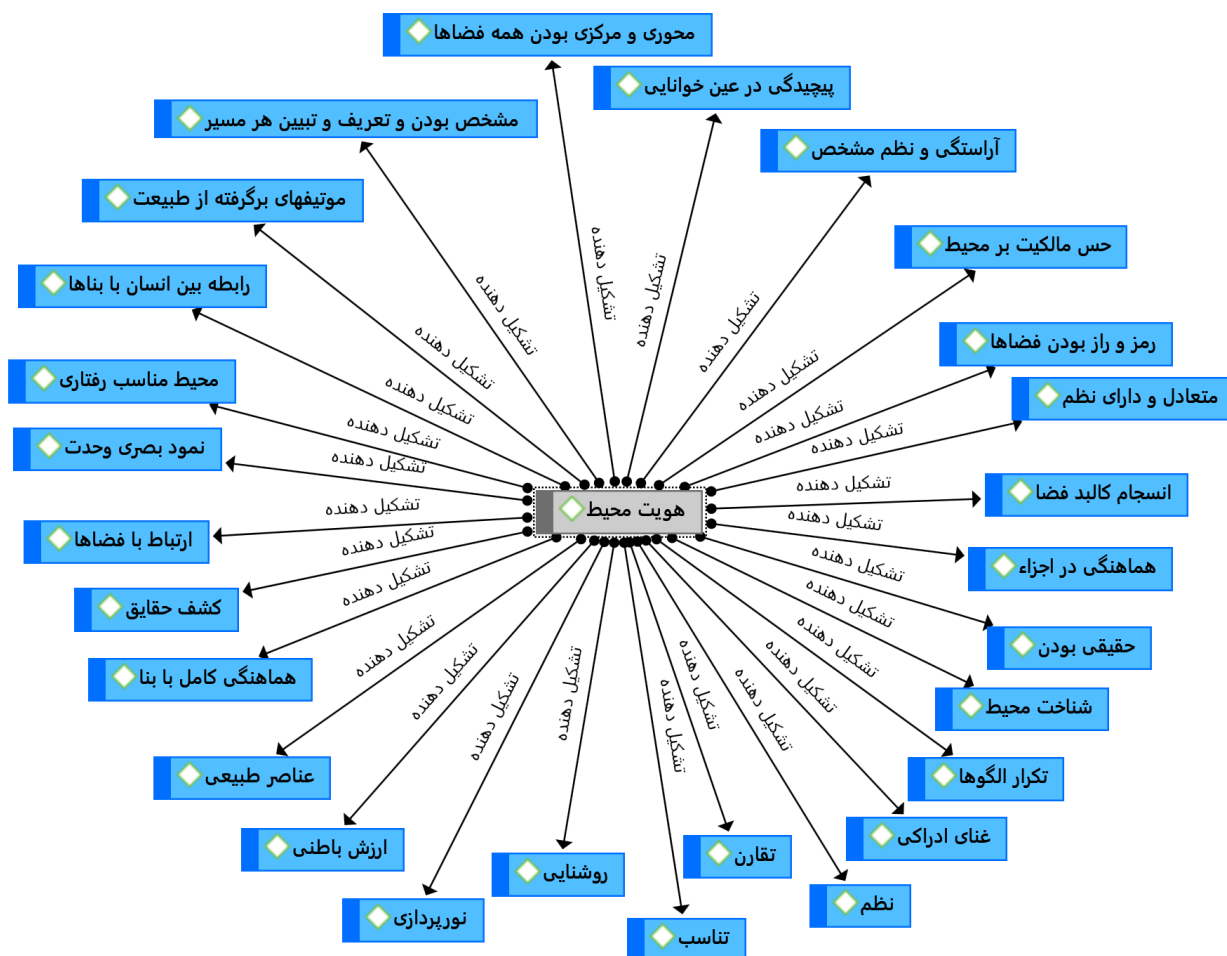
در جمع‌بندی کلیه کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌های صورت‌گرفته در ارتباط با نقش برنامه‌ریزی عملکردی در خلق بناهای پایدار، به‌صورت زیر در شکل ارائه می‌شود.

کدگذاری باز

جدول ۶. کدگذاری باز

کدگذاری باز	گزاره‌های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت
معانی نمادین سلسله‌مراتب حضور	مؤلفه‌های معنای محیط، بستری برای رسیدن به ادراک معانی وجود در مکان فراهم می‌کنند که موجب به خلق معانی ارزشی و نمادین از مکان در ذهن می‌شود. سپس حس مکان از برآیند روابط درونی میان سطوح مختلف معنای مکان، سلسله‌مراتب حضور انسان در مکان و سطوح گوناگون به دست می‌آید.
نمود بصری	ساختار بینایی انسان در شکل‌گیری معیارهای طراحی جداره‌های شهری و ادراک بصری تأثیر دارد. محیط بصری با توجه به مطابقتی که با مکانیسم فیزیولوژیک و بینایی انسان دارد تحلیل می‌شود و با توجه به استانداردهای بینایی در درک تصویر محیط بصری برای چشم انسان شناسایی می‌شود.
هویت کالبدی هویت معنایی	فضای شهری واجد هویت است و این هویت در فرهنگ، محیط، کالبد و معنا خود را می‌نمایاند؛ درحالی‌که در فضای شهری امروز چنین نیست.
نمود بصری وحدت	جهت حفظ هویت و ساماندهی نظام بصری در راستای خوانش معانی بافت تاریخی بایستی به حفظ ارزش‌های ماندگار؛ جذب و نگهداشت نشانه‌های بصری؛ ایجاد وحدت فضایی مجموعه؛ بازگرداندن هویت اجتماعی و تاریخی، احیاء واحدهای همسایگی، معابر و دسترسی‌های تاریخی توجه داشت.

نشانه‌های معماری شهر نمی‌توانند معنایی متناسب با فرهنگ و هویت فرد داده و فضاهای شهری موجود در شهرهای امروزی، فاقد حس مکان و هویت مشخص هستند. بناهای شاخص و نشانه‌های شهری می‌توانند نقش مهمی در بهبود کیفی فضاهای شهری داشته و گامی در جهت معنابخشی به فضا و ایجاد حس مکان در مخاطب باشند و فضاهای شهری را برای شهروندان خوانا، قابل درک و در آن‌ها حس تعلق مکانی ایجاد نمایند.	غناي ادراكي
هر عصری هویت و نشانه‌های خود را دارد؛ اما آنجا که گسست روی می‌دهد مصادیقی از بحران هویت در افراد و محیط ساخته رخ می‌دهد. بنابراین باینکه شهر به‌طور مداوم در حال تغییر است اما نرخ تغییر عناصر، نشانه‌ها و معانی به یک اندازه نیست و به همین دلیل اصالت و هویت آن حفظ می‌شود و حس مالکیت و شناخت محیط از اهمیت زیادی در دید بصری بیننده برخوردار می‌گردد.	حس مالکیت شناخت محیط
شهر با الگوی فرهنگ گرا نمی‌تواند در هرجایی از زمین پیاده شود و هویت هر شهر با شهر دیگر متفاوت است. انسان، فرهنگ و رفتارهای انسانی در هویت مند بودن یک محیط مؤلفه‌هایی قابل توجه هستند. بنابراین محیط شهری واجد هویت می‌تواند به‌عنوان حلقه‌ای برای ارتباط میان فرد و جامعه، فرد و تاریخ و گذشته و حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامون او باشد. شهرسازی امروز پیش از آن‌که به عوامل محتوایی ذکرشده معطوف باشد در تظاهرات کالبدی خلاصه می‌شود؛ پس نمی‌توان برای آن مفهومی در نظر گرفت، چراکه در آن یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا قابل مشاهده است.	هماهنگی کالبد و معنا
همه‌چیز در معماری از معنا شروع می‌شود و در حقیقت این معناست که روح حاکم بر جوامع انسانی و هر چیز انسانی و دست‌ساخته وی حتی بناهای ساخته‌شده توسط انسان را تشکیل می‌دهد. موضوعی که ذهن معماران را همیشه به خود معطوف داشته و باعث برخورد آراء ایشان با یکدیگر می‌شود این است که بالاخره فرم باید از عملکرد تبعیت کند یا این‌که فرم باید تابعی از زیبایی باشد و عملکرد به‌تبع و در امتداد فرم پدید آید.	هماهنگی کالبد و عملکرد بنا
حضور مثبت افراد و در نتیجه ارتقاء و تقویت سطح روابط اجتماعی میان افراد جامعه را منوط به ادراک درست از محیط و توجه به نشانه‌ها و معناشناسی فضای ساخته می‌داند. ساختار فضا و هم‌نشینی اجزای آن، هدایتگر کنش اجتماعی و ادراک محیط از سوی شهروندان در تعریف فضا و خوانش هویت فضایی آن است.	خوانایی محیط شناخت محیط
نشانه‌ها می‌توانند در جهت ارتقای حس مکان و ایجاد کیفیتی بهتر در ارتباط با فضای معماری، در فرآیند طراحی نقش به سزایی ایفا نمایند. بنابراین نقش معانی تداعی‌کننده در طراحی فضای معماری و چگونگی ادراک مخاطب اهمیت می‌یابد.	ادراک محیط
رفتار انسان در شهر وابسته به میزان درک و شناخت او نسبت به محیط است و پدیده ادراک فرآیندی ذهنی است که طی آن تجارب حسی، معنی‌دار شده و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیاء را درمی‌یابد. پس نشانه عنصر طبیعی است که به لحاظ شکل و عملکرد با محیط اطراف متفاوت است و جهت القاء حس مکان و هدایت‌گری معانی بصری در دید مخاطب مورد استفاده قرار می‌گیرد.	عناصر طبیعی نمود بصری



شکل ۳: کدگذاری باز متغیرهای استخراج شده از متن مصاحبه

کدگذاری محوری

مطابق جدول زیر، کدهای استخراج شده دسته بندی و برجستگی هر تعداد کد برحسب تکرار مشخص گردید؛ همچنین، کدها دسته بندی شدند. تعداد ۲۳ کد به علت عدم انطباق با مبانی نظری حذف گردیدند. کدهای دسته بندی شده بر مبنای تفسیر و انطباق با مفاهیم موجود در ادبیات نظری شاخصه های معنایی و نشانه شناختی در نظام بصری محیط با هدف هویت بخشی بود. بیشترین برجستگی با مقدار ۱۶ مربوط به غنای ادراکی و کمترین برجستگی مربوط به نورپردازی با مقدار ۴ است.

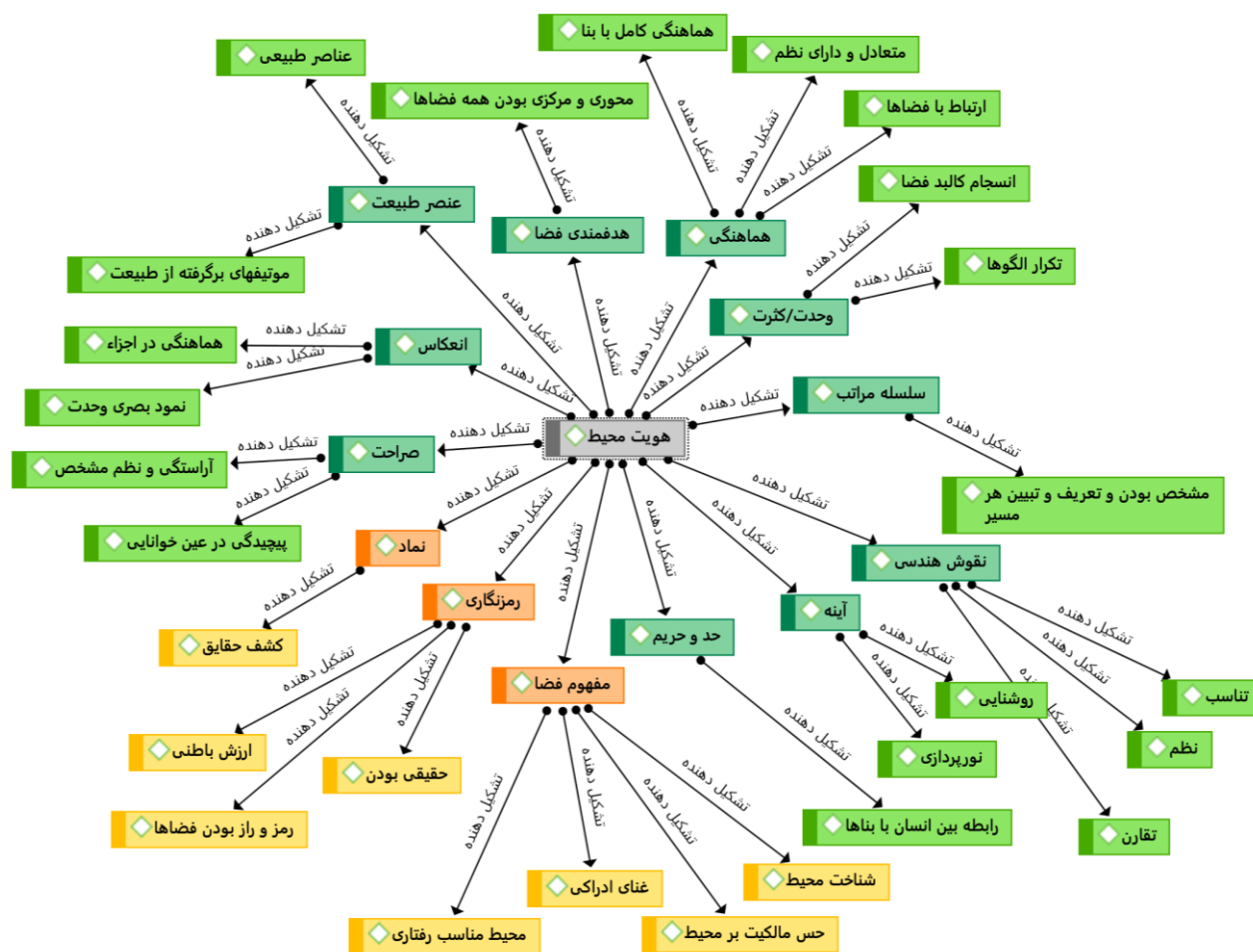
جدول ۷: کدگذاری و دسته بندی کدهای باز و استخراج کد محوری برای هر دسته

مفهوم	مقوله	برجستگی	زیر مقوله
نشانه شناختی	هدفمندی	۱۰	محوری و مرکزی بودن همه فضاها
در نظام بصری محیط	وحدت/کثرت	۱۱	انسجام کالبد فضا
		۸	تکرار الگوها
	صراحت	۱۲	پیچیدگی در عین خوانایی
		۶	آراستگی و نظم مشخص
سلسله مراتب		۷	مشخص بودن و تعریف و تبیین هر مسیر

هماهنگی	۸	ارتباط با فضاها
	۱۰	متعادل و دارای نظم
	۸	هماهنگی کامل با بنا
حد و حریم	۹	رابطه بین انسان با بناها
عنصر طبیعت	۵	عناصر طبیعی
	۷	موتیف‌های برگرفته از طبیعت
انعکاس	۸	هماهنگی در اجزاء
	۱۰	نمود بصری وحدت
نقوش هندسی	۹	تناسب
	۸	نظم
	۸	تقارن
آینه	۶	روشنایی
	۴	نورپردازی
شاخصه‌های معنایی	۹	ارزش باطنی
	۸	رمز و راز بودن فضاها
	۱۱	حقیقی بودن
نماد	۹	کشف حقایق
مفهوم فضا	۱۳	شناخت محیط
	۱۲	حس مالکیت بر محیط
	۱۶	غنای ادراکی
	۱۴	محیط مناسب رفتاری

پس از استخراج کدها، آن‌ها از نظر نزدیک بودن از یک خصوصیت برای محورگذاری دسته‌بندی می‌شوند. نتیجه استخراج، ابعاد هدفمندی، وحدت/کثرت،

صراحت، سلسله‌مراتب، هماهنگی، حد و حریم، عنصر طبیعت، انعکاس، نقوش هندسی، آینه، رمزنگاری، نماد و مفهوم فضا است.



شکل ۴: کدگذاری محوری متغیرها

یافته‌های کمی

در قسمت آمارهای توصیفی، تعداد شرکت‌کنندگان مرد در این تحقیق ۶۲٪ و زنان ۳۸٪ است. در این مرحله، پس از انتخاب متغیرهای برگزیده با روش دلفی، پرسشنامه‌های تدوین می‌گردد و به صورت تصادفی بین افراد بازدیدکننده، با همکاری سفارتخانه‌ها، توزیع می‌گردد. نتایج وارد نرم‌افزار SPSS ۲۵ می‌شود. برای تحلیل، از روابط پیش‌بین (رگرسیون) و روابط همبستگی استفاده می‌شود. برای بررسی نوع پارامتریک و ناپارامتریک بودن داده‌ها، از Two-Sample Kolmogorov-Smirnov Test بهره گرفته می‌شود.

جدول ۸: آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیر شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی در نظام بصری محیط با هدف هویت‌بخشی

p	Z کولموگروف اسمیرنوف	انحراف استاندارد	میانگین	متغیر
۰/۰۰۵	۰/۷۹۳	۳/۲۳	۲۷/۷۷	شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی در نظام بصری محیط با هدف هویت‌بخشی

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد، آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای نمره مؤلفه‌های کالبدی معنادار نیست ($p=0/005$) و بنابراین، مؤلفه‌های هویت‌بخشی دارای توزیع نرمالی است و می‌توان از تحلیل‌های پارامتریک برای آن استفاده کرد.

جدول ۹: همبستگی تبیین شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی در نظام بصری محیط با هدف هویت بخشی در بناهای منتخب دیپلماتیک

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
هدفمندی	۱											
وحدت/کثرت	۰.۶۲۵	۱										
صراحت	۰.۶۲۱	۰.۶۲۶	۱									
سلسله مراتب	۰.۱۱۷	۰.۶۵۶	۰.۴۲۱	۱								
هماهنگی	۰.۲۲۴	۰.۴۸۷	۰.۲۱۴	۰.۳۵۶	۱							
حد و حریم	۰.۱۱۲	۰.۵۶۵	۰.۸۹۵	۰.۳۲۵	۰.۵۸۹	۱						
عنصر طبیعت	۰.۳۰۶	۰.۲۱۵	۰.۲۱۰	۰.۱۱۲	۰.۵۴۵	۰.۰۱۶	۱					
انعکاس	۰.۳۰۷	۰.۱۱۲	۰.۲۱۴	۰.۲۴۵	۰.۱۱۶	۰.۲۱۵	۰.۳۶۹	۱				
نقوش هندسی	۰.۸۰۵	۰.۱۱۸	۰.۲۴۵	۰.۸۷۵	۰.۴۱۵	۰.۶۲۶	۰.۷۵۲	۰.۵۶۸	۱			
آینه	۰.۶۰۵	۰.۲۱۴	۰.۸۵۷	۰.۲۷۸	۰.۲۳۵	۰.۵۴۰	۰.۳۴۱	۰.۱۱۴	۰.۳۸۵	۱		
رمزنگاری	۰.۷۳۰	۰.۲۲۳	۰.۶۵۱	۰.۳۶۶	۰.۸۹۵	۰.۲۰۳	۰.۱۲۵	۰.۱۲۶	۰.۰۱۵	۰.۴۹۵	۱	
نماد	۰.۱۱۴	۰.۳۲۸	۰.۲۵۶	۰.۲۴۱	۰.۳۲۱	۰.۰۲۳	۰.۱۳۵	۰.۶۶۱	۰.۳۲۱	۰.۲۱۴	۰.۴۱۵	۱
مفهوم فضا	۰.۲۲۵	۰.۹۵۴	۰.۱۳۵	۰.۲۴۶	۰.۶۶۸	۰.۱۵۶	۰.۳۶۸	۰.۶۲۵	۰.۵۶۸	۰.۶۲۴	۰.۲۱۸	۱

در این مرحله، با استفاده از همبستگی پیرسون، متغیرها مورد سنجش قرار می‌گیرند که مشخص شد بیشترین نوع همبستگی بین مفهوم فضا و وحدت و کثرت با مقدار ۰.۹۵۴ و سپس رمزنگاری با هماهنگی با مقدار ۰.۸۹۵ است و، به‌طورکلی، متغیر مفهوم فضا بیشترین همبستگی را با دیگر متغیرها دارد و کمترین مربوط به عنصر طبیعت و حد و حریم است. در بناهای دیپلماتیک، بیشترین سهم مربوط به مؤلفه‌های مفهوم فضا، با مقدار (۱/۰۰۰)، و سپس رمزنگاری، با مقدار (۰/۹۶۸)، و کمترین سهم مربوط به عنصر طبیعت، با مقدار (۰/۴۵۷)، است.

جدول ۸: رگرسیون گام به گام شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی در نظام بصری با تکیه بر هویت بخشی در بناهای دیپلماتیک

ابعاد	مقیاس	ضریب تعیین	F	B	β	T	معناداری	درجه آزادی
نشانه‌شناختی در نظام بصری محیط	هدفمندی	۰/۶۱۵	۵۲۷/۲۲۲	۱/۰۰۰	۰/۷۸۱	۴۶/۵۲۲	۰/۰۰۰	۳۸۳
	وحدت/کثرت	۰/۶۸۹	۳۸۲/۴۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۳	۲۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
	صراحت	۰/۸۴۶	۲۱۷/۳۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۴۰/۲۲۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
	سلسله مراتب	۰/۷۶۲	۲۰۱/۶۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۴	۸/۹۵۸	۰/۰۰۰	۳۸۳
	هماهنگی	۰/۷۴۳	۶۴۳/۶۲۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۱۱/۱۳۴	۰/۰۰۰	۳۸۳
	حد و حریم	۰/۷۵۳	۸۴۹/۶۸۳	۱/۰۰۰	۰/۶۵۲	۱۸/۴۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
	عنصر طبیعت	۰/۴۵۷	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
	انعکاس	۰/۷۷۰	۲۷۶/۷۴۸	۱/۰۰۰	۰/۴۶۴	۴۷/۹۶۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
	نقوش هندسی	۰/۷۹۵	۱۹۹/۹۴۳	۱/۰۰۰	۰/۴۵۲	۴۶/۲۲۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
	آینه	۰/۵۷۱	۱۸۴/۹۴۵	۱/۰۰۰	۰/۴۸۳	۴۹/۱۷۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
شاخصه‌های معنایی	رمزنگاری	۰/۹۶۸	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
	نماد	۰/۷۳۲	۶۵۶/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۱۰	۲۵/۸۷۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
	مفهوم فضا	۱/۰۰۰	۴۰۵/۱۲۲	۱/۰۰۰	۰/۷۳۲	۴۲/۱۵۲	۰/۰۰۰	۳۸۳

نتیجه گیری

موضوع نظام بصری بافت شهری یکی از نقاط تمرکز پژوهش‌های اخیر در معماری و شهرسازی ایران بوده و تلاش در جهت هویت‌بخشی به فضایی که رضایت شهروندان را در وجوه مختلف جلب نماید، به عنوان یکی از راهبردهای اصلی تحقیقات معماری مطرح می‌باشد. در این راستا، مطالعات معماری در منظر و تشخیص نظام بصری و ساماندهی آن در محلات شهری، به گونه‌ای منسجم، می‌تواند تأثیرگذاری در خوانایی مطلوب را با شناخت معانی و نشانه مهیا نماید؛ اما آنچه مهم است، تشخیص آرایه‌های نظام بصری است که شامل عناصر بصری، چگونگی کارکرد و کیفیت روابط میان آن‌ها بوده که سهم مهمی در ساماندهی، نظم و شخصیت‌دهی به بافت‌های شهری را ایفا می‌نمایند. لذا در این پژوهش، محقق تلاش دارد با بازخوانی و مذاقه در نظام بصری و انگاره‌های آن و نیز بررسی این انگاره‌ها در بناهای دیپلماتیک، اهمیت و نقش پررنگ نظام بصری را در هویت‌بخشی به کالبد شهر با بررسی معانی و نشانه‌های شهری در بافت شهری نمایان سازد. محقق بر این باور است، این نوشتار با تحلیل نظام بصری به وسیله معیارهای سنجش و ارزیابی بر پایه هویت‌بخشی و تبیین شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی در بناهای دیپلماتیک - می‌تواند به عنوان روشی جهت بازخوانی آرایه‌های بصری و ادراک هرچه بهتر آن، در کالبد دیگر شهرهای ایران مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، به طور کلی می‌توان برای سهم هریک از مؤلفه‌های معنایی و بصری مؤثر بر هویت‌بخشی بناهای دیپلماتیک، رابطه زیر را بیان نمود:

$$Y = (0.615) \text{ هدفمندی} + (0.689) \text{ وحدت/کثرت} + (0.846) \text{ صراحت} + (0.762) \text{ سلسله‌مراتب} + (0.743) \text{ هماهنگی} + (0.753) \text{ حد و حریم} + (0.457) \text{ عنصر طبیعت} + (0.770) \text{ انعکاس} + (0.795) \text{ نقوش هندسی} + (0.571) \text{ آینه} + (0.968) \text{ رمزنگاری} + (0.732) \text{ نماد} + (1.000) \text{ مفهوم فضا}$$

که نشان‌دهنده میزان تفاوت‌های مؤلفه‌های معنایی و بصری در هویت‌بخشی بناهای نام است. در بناهای یادشده، بیشترین سهم مربوط به مؤلفه مفهوم فضا، با مقدار (۱/۰۰۰)، رمزنگاری، با مقدار (۰/۹۶۸)، و کمترین سهم مربوط به عنصر طبیعت، با مقدار (۰/۴۵۷)، است.

با دید کلی از عوامل مؤثر بر هویت‌بخشی، می‌توان به تدوین ضوابط طراحی مناسب‌تر کمک می‌کند و امکان طراحی باکیفیت‌تر را فراهم می‌سازد. بنابراین، برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌بایست به مجموعه عوامل و ویژگی‌هایی که بستر شکل‌گیری احساسات مختلف بین فرد و مکان را در مقیاس‌های متفاوت ایجاد می‌نمایند، توجه ویژه‌ای مبذول دارند. این امر زمینه رشد و توسعه کیفی محیط سکونتگاهی را برای ساکنان مختلف، به عنوان بستر زندگی اجتماعی افراد، فراهم می‌آورد. با توجه به یافته‌های پژوهش، دستیابی به هویت‌بخشی بناهای دیپلماتیک در شهر باید خصوصیات زیر را مدنظر داشت:

- ایجاد هارمونی و در نظرگیری پالت رنگی خاص در نماها.
- تدوین ضوابط جدید در ساخت‌وساز در راستای کنترل تعداد طبقات و مطلوب نگه‌داشتن خط آسمان.
- الحاق المان‌های منحصربه‌فرد و هماهنگ به جداره‌ها.
- اهمیت به نمای نشانه‌ها و تلفیق مصالح سنتی، نظیر آجر و کاشی، و مدرن، نظیر شیشه و چوب، در نماسازی با الهام از هویت گذشته.

- ایجاد ریتم در بازشوهای موجود در جداره‌ها.
- استفاده از پوشش گیاهی منحصربه‌فرد در حاشیه پیاده‌روها.
- استفاده از مبلمان منعطف و منحصربه‌فرد در فضاهای بیرونی.
- تشویق ساکنان به مشارکت در زیباسازی فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی خود به‌صورت هماهنگ.
- ایجاد رواق در قسمت ورودی‌ها با تلفیقی از چوب و پوشش گیاهی.
- ایجاد تباین فضایی با ایجاد رواق سبز در ورودی‌های غربی و جنوبی.
- ایجاد غنای حسی بصری و شنوایی در حاشیه پیاده‌روها توسط ایجاد جوب باغچه‌ها.
- طراحی کیوسک‌های اطلاع‌رسانی با ترکیب چوب، نور و پوشش گیاهی.
- ایجاد کریدورهای دید به نشانه‌ها.
- استفاده از علائم و تابلوهای هدایت‌کننده به سمت نشانه‌ها با تم رنگی شاخص.
- ایجاد نورپردازی سکانسی در کف جهت هدایت به سمت نشانه‌ها در شب، به‌منظور جهت‌یابی.
- ایجاد نورپردازی تأکیدی نشانه‌ها.
- استفاده از کف‌نویسی‌های هدایت‌کننده به سمت نشانه‌ها.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Identity is one of the principal qualities through which urban environments become recognizable, meaningful, and distinguishable from one another. An identity-bearing urban environment can establish a relationship between individuals and society, history, collective memory, time, nature, and the broader cultural context in which everyday life occurs (1). Nevertheless, contemporary urban development in Iran has frequently emphasized physical appearance while neglecting the semantic, cultural, perceptual, and behavioral dimensions that give form and space their deeper significance. Consequently, many contemporary urban fabrics are characterized by visual similarity, inconsistency between physical form and environmental meaning, weakened cultural legibility, and a lack of correspondence between spatial configuration and users' perceptions (2, 4). Space is not limited to geometric, functional, or aesthetic properties; it also contains meanings created through collective memories, social events, cultural values, and repeated human experiences. These meanings contribute to the formation of physical, semantic, and functional identity and enable urban elements to occupy a stable position in the collective image of the city (3). From a perceptual perspective, environmental meaning emerges when observers compare environmental stimuli with their experiences, intentions, expectations, and cultural backgrounds (6). Lynch's approach further indicates that environmental perception is an objective manifestation of meaning and that the quality of a city depends substantially on the clarity, legibility, coherence, and mental image through which citizens understand their surroundings (8). In this context, diplomatic buildings are particularly important because they function not only as administrative and political institutions but also as visual, cultural, and symbolic representatives of national identity. Their architecture can communicate cultural continuity, political authority, collective memory, and a distinctive image of the represented country within a foreign urban setting. Therefore, the visual system of diplomatic buildings provides an appropriate field for examining how semantic and semiotic indicators contribute to identity formation through architectural form, spatial organization, symbolic expression, material selection, environmental harmony, and users' perception.

The study aimed to identify, explain, and evaluate the semantic and semiotic indicators embedded in the environmental visual system and to determine the extent to which each indicator contributes to the identity formation of diplomatic buildings. The conceptual basis of the research was developed through the relationship among environmental meaning, semiotics, visual perception, urban identity, and architectural representation. Environmental meaning is produced through the interaction of physical form, cultural context, personal experience, collective memory, and the interpretive capacities of users. A meaningful environment provides individuals with opportunities to identify themselves in relation to place and to establish a stable existential position in space and time (10, 31). Semiotics, as an interdisciplinary field concerned with signs, signification, communication, and the production of meaning, offers an appropriate framework for interpreting architecture as a system of coded messages (15, 18). From this perspective, buildings and cities can be read as texts composed of structural elements, masses, volumes, open spaces, collective spaces, paths, entrances, boundaries, nodes, materials, colors, and visual sequences. These elements communicate through logical, aesthetic, social, iconic, indexical, and symbolic codes (21-23). The visual prominence of an architectural sign depends both on its intrinsic physical characteristics and on its contextual relationship with the surrounding urban fabric. Size, form, color, material, construction style, visibility, viewing distance, visual angle, and

relation to centers of movement and activity influence the salience of an urban landmark (14, 16). Furthermore, urban signs contribute to citizens' orientation, environmental understanding, place attachment, and mental mapping when they possess sufficient distinction, visibility, symbolic importance, and functional significance (17, 27). Accordingly, the study regarded identity formation in diplomatic architecture as a multidimensional process in which spatial concepts, cultural codes, symbolic elements, formal order, hierarchy, boundaries, natural elements, geometric patterns, reflection, and visual coherence interact to communicate national and cultural meanings to observers.

This developmental–applied research employed a nested mixed-methods design in which a qualitative phase was embedded within a quantitative phase. In the qualitative stage, theoretical literature concerning identity, environmental meaning, semiotics, visual systems, urban signs, architectural perception, and diplomatic buildings was reviewed, after which a Delphi process was used to verify and refine the extracted variables. The Delphi procedure included three principal stages: brainstorming to identify important factors, reducing the preliminary list to the most relevant indicators, and ranking the selected factors according to expert judgment. Reaching consensus in Delphi studies requires systematic collection, comparison, revision, and prioritization of expert opinions, particularly when direct interaction among participants is limited (29). Forty-six university professors participated in the expert interviews, including 16 specialists in architecture, nine in landscape architecture, 12 in urban design, and nine in urban planning. Repetitive responses were eliminated, and the remaining statements were examined through open and axial coding. Factors were grouped according to conceptual similarity and compatibility with the theoretical foundations of semantic and semiotic identity. In the quantitative stage, a Likert-scale questionnaire was developed on the basis of the qualitative findings, with one item assigned to each identified semantic or semiotic indicator. The content validity index of the instrument was reported as 0.75 based on expert assessment, while internal consistency was confirmed by a Cronbach's alpha coefficient of 0.78. The statistical population consisted of approximately 7,000 visitors to selected diplomatic buildings, and a sample of 373 participants was determined using the Morgan sampling table. Questionnaires were distributed randomly with the cooperation of the relevant embassies. Selected cases included Iranian diplomatic buildings in Tokyo, Dushanbe, Berlin, Yerevan, Stockholm, Bangkok, and Amman, chosen through an expert preference system in which buildings receiving mean scores above five on a ten-point scale were retained. These cases represented diverse approaches to combining Iranian architectural identity with local climatic, cultural, technological, and urban conditions. Quantitative data were analyzed in SPSS version 25 using descriptive statistics, the Kolmogorov–Smirnov test, Pearson correlation coefficients, and stepwise regression. The correlation matrix was also examined to determine the appropriateness of multivariate regression for estimating the relative contribution of each indicator.

Open coding of the interviews generated concepts related to symbolic meanings, hierarchy of presence, visual manifestation, physical identity, semantic identity, perceptual richness, environmental legibility, ownership, environmental recognition, coordination between form and meaning, coordination between form and function, environmental perception, natural elements, and visual unity. Through axial coding and conceptual refinement, 13 principal dimensions were extracted: purposefulness, unity/multiplicity, explicitness, hierarchy, harmony, boundaries and privacy, natural elements, reflection, geometric patterns, mirrors, encoding, symbols, and the concept of space. Among the qualitative subcategories, perceptual richness showed the highest frequency, with a prominence value of 16, followed by a behaviorally appropriate environment with 14, environmental recognition with 13, complexity combined with legibility and a sense of ownership with 12, and physical coherence and authenticity with 11. Lighting showed the lowest prominence value of four. These results indicated that experts understood identity not merely as formal resemblance to historical architecture but as an integrated perceptual condition created through meaningful spatial relationships, cultural references, legibility, human experience, and symbolic interpretation. The quantitative

findings showed that the strongest correlation was between the concept of space and unity/multiplicity, with a coefficient of 0.954 and significance at the 0.01 level. A strong relationship was also observed between encoding and harmony, with a coefficient of 0.895, while geometric patterns and hierarchy were correlated at 0.875. Additional notable relationships included explicitness and boundaries and privacy, purposefulness and geometric patterns, and geometric patterns and natural elements. Overall, the concept of space demonstrated the strongest pattern of association with the remaining variables, whereas natural elements and boundaries and privacy showed comparatively weaker relationships. Stepwise regression indicated that all 13 components significantly contributed to the explanation of identity formation in the visual system of diplomatic buildings. The concept of space had the highest reported contribution, with a coefficient of determination of 1.000, followed by encoding at 0.968, explicitness at 0.846, geometric patterns at 0.795, reflection at 0.770, hierarchy at 0.762, boundaries and privacy at 0.753, harmony at 0.743, symbols at 0.732, unity/multiplicity at 0.689, purposefulness at 0.615, mirrors at 0.571, and natural elements at 0.457.

The findings demonstrate that the identity of diplomatic buildings is primarily shaped by the conceptual and interpretive organization of space rather than by the isolated application of decorative motifs. The dominant role of the concept of space suggests that observers perceive architectural identity through the total configuration of spatial relationships, including movement, enclosure, continuity, hierarchy, orientation, centrality, access, visual sequences, and the relationship between public and private domains. This interpretation is consistent with the view that environmental meaning results from the relationship between spatial form and nonspatial cultural values and that legibility, clarity, and compatibility strengthen the mental image of place (8, 13). The high contribution of encoding also indicates that diplomatic buildings operate as cultural communication systems in which architectural forms, materials, gardens, courtyards, light, geometric arrangements, and symbolic references transmit meanings beyond their immediate functional roles. Architectural identity is therefore reinforced when cultural messages are neither reproduced superficially nor concealed completely but are translated into coherent contemporary codes that can be interpreted by diverse audiences (21, 32). The importance of explicitness, geometric patterns, hierarchy, and reflection further confirms that visual identity depends on order, recognizability, structured complexity, proportional relationships, rhythm, symmetry, and meaningful visual emphasis. These components facilitate perception and allow users to distinguish significant architectural elements within the broader composition (11, 14). The comparatively lower contribution of natural elements does not imply that nature is irrelevant; rather, it suggests that vegetation and natural motifs become identity-bearing only when integrated into a broader semantic and spatial system. Iranian gardens, courtyards, water, light, and landscape references may contribute strongly to identity when they are connected to spatial concepts, climatic requirements, cultural memory, and the architectural context of the host country. Accordingly, the design of diplomatic buildings should establish harmony between Iranian architectural principles and local conditions, maintain coherent skylines and façades, combine traditional and contemporary materials, create visual corridors toward significant signs, employ rhythmic openings, strengthen entrances and boundaries, use distinctive landscape elements, and provide carefully designed lighting and wayfinding systems. Such strategies can transform diplomatic architecture into a legible cultural sign that simultaneously represents national identity, responds to its urban context, and supports meaningful interaction between users and place (3, 7, 12).

The study concludes that the visual identity of diplomatic buildings emerges from the coordinated interaction of semantic, semiotic, spatial, perceptual, physical, and cultural components. Among the identified indicators, the concept of space and encoding played the most influential roles, showing that successful identity formation depends primarily on meaningful spatial organization and the deliberate communication of cultural values. Explicitness, geometric patterns, hierarchy, reflection,

harmony, boundaries, symbols, unity, and purposefulness also contributed substantially to the formation of a coherent architectural image, whereas natural elements exerted a more limited influence when considered independently. Diplomatic buildings should therefore not be designed through the direct imitation of historical forms or the arbitrary addition of national symbols. Instead, their design should reinterpret cultural identity through contemporary spatial relationships, coherent visual systems, appropriate materials, recognizable architectural signs, environmental legibility, and sensitivity to the physical and cultural context of the host city. An integrated design approach can enable these buildings to function simultaneously as secure administrative facilities, meaningful urban landmarks, cultural representatives, and enduring expressions of national identity. The extracted indicators can also provide a practical framework for evaluating existing diplomatic buildings, developing architectural design guidelines, improving urban visual quality, and guiding future projects in which identity, cultural representation, and environmental perception are central concerns.

References

1. Ameri Siahoui HR, Ahmadi Sarkhouni F, Sayebani B, editors. Examining the performance of urban signs in people's perception of the urban environment: The case of Bandar Abbas. Conference on Architectural and Urban Research in Islamic and Historical Iran; 2017; Shiraz, Iran.
2. Kazemi A, Behzadfar M. Reconceptualizing the system of environmental meanings in historical environments with emphasis on audiences' social transformations: The case of Saighalan neighborhood in Rasht. *Urban Studies*. 2013(6):75-87.
3. Doulabi P, Shaeri Z, Hajebzadeh A. Re-reading the ornaments of the visual system in the historical fabric of Bushehr with emphasis on the mental approach. *Urban Landscape Research*. 2015(4):35-47.
4. Mousavi Sarvineh Baghi ES, Sadeghi A. Presenting a design process for urban facades to enhance the visual and aesthetic qualities of the urban landscape: The case of Ahmadabad Street in Mashhad. *Urban Management*. 2016(43):99-114.
5. Yousefi A, Sadeghinejad M. A critical review of Lynch's city-image theories: Semiotics of citizens' perceptual maps and the reconstruction of the city's physical identity. *Urban Sociological Studies*. 2017(22):47-72.
6. Kalali P, Modiri A. Explaining the role of meaning in the process of forming a sense of place. *Fine Arts*. 2012(50):43-52.
7. Kouhifard E. Identity in Iranian architecture. Tehran, Iran: Negah-e-Bustan Publications; 2018.
8. Lynch K. A theory of good city form. Tehran, Iran: University of Tehran Press; 2016.
9. Majedi H, Zarabadi ZS. An inquiry into urban semiotics. *Armanshahr*. 2010(4):49-56.
10. Laripour N, Dadvar A. A semiotic analysis of form and meaning in Vakil Mosque of Shiraz. *Islamic Art Studies*. 2019(32):70-97.
11. Vahdat S, Rezaei-Rad H. Enhancing visual values in urban view corridors using QSAM: The case of Enqelab Square in Zanjan. *Geographical Planning of Space*. 2017(23):69-86.
12. Ghashghaei R, Movahed K, Moztarzadeh H. Developing urban landscape design criteria to stimulate a sense of place attachment. *Urban Management*. 2018(50):435-60.
13. Rezvani A. The spirit of the city: Redefining the city and urban space and identifying life-giving indicators. *Green Architecture*. 2016(4):55-79.
14. Mohammadhasani E, Toghræi A, Mirgholami M. A typological analysis of factors affecting the legibility of urban signs: The case of Valiasr Street in Tehran, from Vanak Square to Tajrish Square. *Identity of the City*. 2016(25):61-74.
15. Stedman R, Beckley T. A picture and photography to understand attachment to high-amenity places. *Journal of Leisure Research*. 2004.
16. Caduff D, Timpf S. On the assessment of landmark salience for human navigation. *Cognitive Processing*. 2008;9:249-67.
17. Appleyard D. Streets can kill cities: Third World beware. *ABADI*. 2002(39):73-83.
18. Amiri Khoshkar Vandani S. Examining the cognitive concept of sign and code in architecture and urban planning with emphasis on Islamic architecture and the Islamic city. *Urban Management*. 2016(43):423-44.
19. Soleimani MR, Etesam I, Habib F. Reconceptualizing the concept and principles of identity in architectural works. *Identity of the City*. 2016(25):15-26.
20. Foroughmand Aarabi H. The philosophical origins of methodology in architectural and urban-design semiotics. *Urban Management*. 2016(43):199-224.
21. Hamdjani Y, Bayazidi G, Sahabi J. A qualitative study of the semantic implications of the architecture of Hawraman Takht from a semiotic perspective. 2017(57):45-63.
22. Frank EA. Many pathways from land use to health. *Journal of the American Planning Association*. 2006;7.
23. Kumar R. Walkability of neighborhoods: A critical analysis of zoning codes: University of Cincinnati; 2009.
24. Shahbanian P, Golipour M, editors. Visual management of the city with emphasis on building facades. Fifth International Congress on Civil Engineering, Architecture, and Urban Development; 2017; Tehran, Iran.
25. Kamour Shalmani A, Hanaachi S. Examining the effect of visual factors in urban spaces on citizens' behavioral patterns. *Identity of the City*. 2015(24):65-78.

26. Zal-Nejad K, Deliri AS, Irani S. From urban symbols to urban facades: An analysis of the role and position of urban symbols in city identity. Bon. 2012(1):42-54.
27. Kalin A, Yilmaz D. A study on visibility analysis of urban landmarks. METU Journal of the Faculty of Architecture. 2012;29:241-71.
28. Cullen G. Selections from townscape. Tehran, Iran: University of Tehran Press; 2011.
29. Powell N. Single-minded, compelling, and unique: Visual communications, landscape, and the calculated aesthetic of place branding. Environmental Communication. 2003;7:231-54.
30. Raskin H, Smith LDG, Weiler B. Relationships between place attachment, place satisfaction, and pro-environmental behavior in an Australian national park. Journal of Sustainable Tourism. 1994;21:434-57.
31. Norberg-Schulz C. Selections from architecture: Meaning and place. Tehran, Iran: Parham Naghsh Publications; 2014.
32. Rapoport A. The meaning of the built environment: A nonverbal communication approach. Tehran, Iran: Urban Processing and Planning Company Publications; 2013.